



باید در عقیده، زبان و عمل شیعه باشیم/ شیعه یعنی متابعت

آیت الله مظاهری گفت: یکی از کارهای شیطان که قرآن چندین جا می‌فرماید، این است که انسان را مغرور به تشیع می‌کند. شیعه آن است که از نظر عقیده و زبان و عمل شیعه باشد.

آیت الله مظاهری گفت: یکی از کارهای شیطان که قرآن چندین جا می‌فرماید، این است که انسان را مغرور به تشیع می‌کند. شیعه آن است که از نظر عقیده و زبان و عمل شیعه باشد.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن سخنان آیت الله حسین مظاهری در شب میلاد حضرت زهرا(س) برای علاقه مندان در پی می‌آید.

میلاد پربرکت صدیقه طاهره امّ الائمه فاطمه زهرا(س) را به همه شما تبریک می‌گویم و همچنین میلاد پربرکت حضرت امام(ره) را به همه شما تبریک می‌گویم و این دو میلاد بزرگ را از طرف همه شما عزیزان به ساحت مقدس حضرت ولی عصر «اروحناده» تبریک می‌گویم و از طرف همه شما و مخصوصاً خانم‌ها، از حضرت زهرا می‌خواهم نظر لطفی به جلسه عنایت کنند و با عیدی گرفتن از حضرت زهرا از جلسه بیرون رویم، ان شاء الله. برای اینکه حضرت زهرا نظر لطفی به جلسه عنایت کنند، اظهار ارادت کنید به حضرت زهرا با سه صلوات. برای اینکه حضرت ولی عصر «اروحناده» نظر لطفی به جلسه کنند و با لطف امام زمان از جلسه بیرون رویم، اظهار ارادت کنید به حضرت امام(ره) با سه صلوات.

بحث امشب مان چند جمله‌ای راجع به فضیلت حضرت زهراست. به خواست پروردگار عالم و لطف حضرت ولی عصر، بحث را به گونه‌ای عنوان می‌کنم که نتیجه اخلاقی هم داشته باشد.

ما از قرآن استفاده می‌کنیم که اگر بخواهیم بهشتی شویم، باید از اهل بیت(ع) الگو بگیریم. سرمشق زندگی ما حضرت زهرا(س) باشد. سرمشق زندگی ما امیرالمؤمنین علی(ع) باشد و شاید صد جا در قرآن به این اشاره شده است:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» [۱]

هرکه رحمت خدا می‌خواهد، هرکه بهشت می‌خواهد، باید اسوه او و سرمشق او اهل بیت(ع) باشد. من از همه چهارده معصوم(ع) روایت دیده‌ام. گاهی یک روایت و گاهی دو روایت و گاهی ده روایت دیده‌ام و حتماً بیش از اینهاست و ای کاش فاضلی این روایت‌ها را جمع می‌کرد، آنگاه حتماً کتاب بزرگی می‌شد که همه چهارده معصوم(ع) می‌گویند: مؤمن و شیعه آن است که از نظر عقیده شیعه باشد، از نظر زبان هم شیعه باشد و از نظر عمل هم شیعه باشد؛ معنای شیعه یعنی متابعت. از نظر عقیده از اهل بیت متابعت کند و از نظر زبان بگوید این شیعه‌گری و تشیع را و از نظر عمل نیز از ائمه طاهرين و اهل بیت(ع) متابعت کند. لذا من از همه و مخصوصاً جوان‌ها تقاضا دارم که شیطان شما را گول نزند.

یکی از کارهای مهم شیطان که قرآن چندین جا می‌فرماید، این است که می‌آید انسان را مغرور به تشیع می‌کند و آن غرورش او را نابود می‌کند. یعنی از نظر عقیده اهل بیت(ع) را دوست دارد و از نظر زبان اهل بیت را دوست دارد و می‌گوید و مسرور می‌شود در شنیدنش و از نظر عمل هم متابعت از اهل بیت دارد. این شیعه است که بدون حساب و کتاب بهشتی می‌شود؛ و اما اگر عمل نباشد، آن عقیده و آن زبان نمی‌تواند او را بهشتی کند. از جمله آیات این است که:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغُرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ» [۲]

ای انسان مواظب باش دو چیز تو را گول نزند: یکی دنیا و رزق و برق دنیا و یکی هم غرور عقیدتی. همه غرق گناهیم و یک حسین داریم. مثلاً نماز نمی‌خواند و قرآن نمی‌خواند و به مسلمان‌ها کمک نمی‌کند و ربا هم می‌خورد. قرآن می‌گوید این نمی‌شود بلکه باید عمل و عقیده به هم بخورد. به عبارت دیگر معنای شیعه یعنی متابعت.

متابعت یک وقت مثل حضرت سلمان و ابوذر است که از ما نخواستند و نمی‌توانیم، اما یک وقت تشیع به معنای متابعت است که اسلام اسمش را ایمان گذاشته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ» [۳]

دوستان جا به بالا در قرآن تکرار شده است. شیعه کسی است که اهمیّت به واجبات می‌دهد صددرصد، و اهمیّت به مستحبات می‌دهد به اندازه وسعش، و اجتناب از گناه دارد و اگر گناه آمد، فوراً جبران و تدارک و توسّل به اهل بیت و شفیع قرار دادن اهل بیت و بالأخره عذرخواهی از خدا دارد که خدا گناه او را ببامزد. به این متقی می‌گوییم. لذا از همه تقاضا دارم این غرور تشیعی که در میان ما هست و بعضی اوقات بعضی از منبری‌ها دامن می‌زنند و بعضی اوقات روایتی هست و خود روایت را می‌بیند و گول می‌خورد، به واسطه شیطان فریب این چیزها را نخورد. بهشت متابعت از زهرا(س) می‌خواهد، بهشت متابعت از امیرالمؤمنین علی(ع) می‌خواهد. متابعت نیز به این معنا که آن‌ها راه مستقیم را می‌روند و ما متابعت از آن‌ها کنیم به اندازه وسعمان. حال ولو اینکه هزار فرسنگ از آن‌ها دور باشیم. اما یک دفعه آن‌ها در راه مستقیم و ما در راه باطل و هر قدمی برداریم از اهل بیت دور می‌شویم. لذا بحث امشب مان راجع به همین است که زهرا کیست و زهرا چیست؟!

آن نه سال اول حضرت زهرا معلوم نیست و تاریخ نداریم و حتی در روایات هم درباره آن سال‌های حضرت زهرا صحبت نشده است. هرچه روایت و تاریخ داریم از آن ۹ سال دوم است.

اول چیزی که در این ۹ سال دوم پیدا شد، ازدواج حضرت زهرا بود. ازدواج زهرا عجیب است، نمی‌خواهند مثل آن‌ها باشیم، اما

متابعت از آن‌ها لازم و واجب است. اینکه او ساده‌زیست است و ما تجمل‌گرا باشیم، راهی که می‌رویم به جهنم است و به بهشت نیست و به لب حوض کوثر نیست.

این ازدواج حضرت زهرا عجیب است و همه تاریخ‌نویسان می‌نویسند و روایات اهل‌بیت هم افتخار می‌کنند و این ازدواج را می‌نویسند. امیرالمؤمنین به خواستگاری آمدند و حضرت زهرا با آن درایت و عقل و عصمتش قبول کردند. برای مهریه هم امیرالمؤمنین به امر پیغمبر اکرم(ص) زهره را فروختند به پانصد درهم. آن پانصد درهم را خدمت پیغمبر اکرم آوردند. بدانید که پیغمبر اکرم خوب می‌توانست یک مهریه بالا بکند و هرچه مهریه می‌کرد به جا بود. یک جهیزیه بالا، ولو برای مسلمان‌ها سخت بود و فقر در آن زمان خیلی داغ بود، اما پیغمبر اکرم می‌توانست یک جهیزیه خوب به حضرت زهرا دهد؛ اما نمی‌دهد، برای اینکه اسوه و سرمشق است، لذا مقداری از آن پانصد درهم را به بعضی از خانم‌های فهمیده دادند که جهیزیه کمی برای حضرت زهرا تهیه شود. بعضی مردها مثل سلمان و ابی‌ذر و بعضی زن‌های وارسته به بازار رفتند و یک جهیزیه تهیه کردند و این جهیزیه یک ضرورت بود. می‌گویند ۱۷ قلم بوده است. پولش هم شصت و یک درهم شده است. و وقتی جهیزیه را پهن کردند که پیغمبر اکرم ببینند، پیغمبر اکرم نگاهی به جهیزیه کردند و گریه شوق کردند و فرمودند: خدا مبارک کند این جهیزیه را که غالبش از گل است. [۴] یک ظرف گلی و یک آفتابه گلی و فرشش یک حصیر بود. خیلی تعجب نکنید، برای اینکه ما در تجمل‌گرایی افتاده‌ایم، لذا این‌ها را نقص و غیرممکن می‌دانیم. همه شما به مشهد رفته‌اید، و اگر چیزی دارید در هتل و اگر چیزی ندارید در مسافرخانه یک هفته می‌توانید زندگی کنید با یک اثاثیه مختصر.

ضرورت یعنی مایحتاج. با مابقی پول‌ها هم یک ولیمه عمومی دادند. یعنی یک گوسفند کشتند و نانی پختند و همه افراد آمدند و خوردند. موقع بردن حضرت زهرا شد، پیغمبر اکرم فرمودند: زهرا در میان خانم‌ها باشد و کسی ایشان را نبیند و با الله اکبر زهرا را به منزل امیرالمؤمنین ببرید. در وسط راه نیز گدای طمعکاری پیدا شد و از حضرت زهرا چیزی خواست و حضرت زهرا هم او را مأیوس نمی‌کند و پیراهن عروسی را به او داد و با پیراهنی که در دوران دختری خود می‌پوشید به خانه امیرالمؤمنین آمد. هیچ کس هم سؤال نکرد که چه شد. امیرالمؤمنین نپرسیدند که پیراهن نوی شما کجاست. فقط پیغمبر اکرم به منزل حضرت زهرا آمدند و دست زهرا را در دست امیرالمؤمنین گذاشتند و فرمودند: این امانت پیش تو باشد و فرمودند خوب زنی برای توست و تو هم خوب شوهری برای او هستی و کفو یکدیگر هستید. [۵]

پیغمبر پرسیدند: پیراهنت کجاست؟ فرمود: گدا آمد و نمی‌شد او را مأیوس کرد و پیراهن را به او دادم. فرمودند چرا این پیراهنی که پوشیده‌ای ندادی؟ گفت برای اینکه قرآن می‌گوید: اگر می‌خواهید صدقه دهید و کمک به کسی کنید، از آنچه دوست دارید بدهید و آن پیراهن عروسی بهتر از این پیراهن بود. پیغمبر اکرم نیز قسمتی کردند و رفتند. حضرت زهرا یک جمله دارد و جمله خیلی شیرین است. پیغمبر اکرم فرمودند: این خانه کار دارد، کارهای داخل خانه از حضرت زهرا باشد، پخت‌وپز و بچه‌داری و شوهرداری و خانه‌داری؛ و کارهای خارج خانه و درآوردن خرج و مخارج از علی باشد. این جمله را سنی‌ها هم می‌نویسند که زهرای مرضیه می‌گوید:

«فَلَمَّا يَعْلَمُ مَا دَاخِلَتْنِي مِنَ السُّرُورِ إِذَا اللَّهُ يُلَقِّئَانِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَحْمِلُ رِقَابَ الرَّجَالِ» [۶]

خدا می‌داند چقدر خوشحال شدم از این تقسمی که پدرم کردند و گفتند از خانه بیرون نرو. این عروسی زهراست و این هم نکاتش است. حال قبول کنیم، اینست و قبول نکنیم، اینست و تعریف کنیم، اینست و اگر بهشت می‌خواهیم، اینست و بهشت هم نمی‌خواهیم اینست.

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ» [۷]

لذا این جهیزیه‌های ما از همه غلط است. این ولیمه‌ها و مهریه‌ها غلط است و این ازدواج‌های ما غلط است. حال کسی حرف کسی را نمی‌شنود و عذر بدتر از گناه می‌آورد و ده تا توجیه می‌کند، مربوط به اسلام و حضرت زهرا و ازدواج زهرا نیست، ما اگر سعادت دنیا و آخرت می‌خواهیم، روش، روش حضرت زهراست. البته نه به آن داغی. امیرالمؤمنین در نهج البلاغه می‌فرمایند: من در ساده‌زیستی خیلی ساده بودم و به نان جو و لباس کهنه‌ای قانع بودم. اما شما نمی‌توانید. اما یک جمله امیرالمؤمنین دارد که هروقت می‌خواهم جمله را بگویم ناراحتی عجیبی برای من پیدا می‌شود. امیرالمؤمنین(ع) به من و شما التماس کرد، می‌فرماید: «أَعْيُونِي يَوْزَعٌ وَاجْتِهَادٌ وَ عَقَّةٌ وَ سَدَادٌ» [۸]

به من کمک کنید به هر اندازه که می‌شود. لذا این ازدواج‌های ما به زهرا و امیرالمؤمنین و رسول الله نمی‌خورد.

پیغمبر اکرم(ص) گاهی می‌خواست جا بیندازد و کارهای غریب و عجیبی می‌کردند که همین را جا بیندازند. قضیه جبیر، قضیه عجیبی است و هم سنی‌ها و هم شیعه می‌نویسند که پیغمبر اکرم وارد مسجد شدند و این صفه جذابیت عجیبی دارد. دیدند یکی از این صفه‌ای‌ها سر روی زانو گذاشته است. حضرت فرمودند: چرا غصه می‌خوری؟! آیا زن می‌خواهی؟! فرمود یا رسول الله! چه کسی به من زن می‌دهد؟ من خانه ندارم و کسی را ندارم و مکتب ندارم. فرمودند: برو در خانه زیاد بن لید و بگو پیغمبر گفت: دخترت را به من بده. زیاد بن لید از آن اشرافی‌های مدینه بود که مسلمان شده بود. از قضیه فهمیده می‌شود که دختر خیلی بالا بوده است. این‌ها در یک مدت کوتاهی راه صد ساله را می‌پیمایند. جبیر هم آمد در خانه زیاد بن لید و دید اشرافی است و مهمانی اشرافی دارد. در زد و زیاد بن لید آمد و دختر هم پشت در بود. گفت پیغمبر اکرم فرمودند: دخترت را به من بده. این تعجب کرد و گفت برو من الان خدمت پیغمبر اکرم می‌آیم. دختر پشت در به پدر گفت: ممکن است درست باشد، آنگاه تو پیغمبر را رد کردی. گفت: این در خانه بنشین و تو پیش پیغمبر اکرم برو و اگر خلاف واقع نیست، بیا تا ببینیم چه کار باید کرد؟ لذا جبیر در خانه نشست و زیاد بن لید پیش پیغمبر اکرم(ص) آمد و گفت: یا رسول الله جبیر اینطور می‌گوید، آیا

درست است؟ فرمود: بله من می‌گویم کفو است. پیغمبر اکرم بارها روی منبر، کفو را معنا می‌کردند که:

«الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ أَكْفَاءُ بَعْضٍ» [۹]

«إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَوْجُوهُ إِلَّا تَقْلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فُسَادٌ كَبِيرٌ» [۱۰]

بعد هم می‌فرمودند که وقتی کفو پیدا شد، نگذارید پسرهای بزرگ بمانند؛ اما حالا چه کسی می‌تواند پسر زن دهد؟ نگذارید دخترها در خانه بمانند؛ اما حالا که کسی نمی‌تواند جهیزیه بدهد. پیغمبر بارها روی منبر می‌فرمودند:

«إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَوْجُوهُ إِلَّا تَقْلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فُسَادٌ كَبِيرٌ»

اگر دخترها در خانه ماندند و بزرگ شدند و اگر پسرها در خانه ماندند و بزرگ شدند، بدانید که فتنه ایجاد می‌شود. بدانید مفسده بزرگ ایجاد می‌شود. مثل الان که هشتاد درصد دخترها و پسرهای رفیق دارند. چه مفسده و ننگی بالاتر از این! کم‌کم عادی هم شده است. پیغمبر اکرم این‌ها را فرموده است. اگر به زیاد به لبید می‌گوید دخترت را به این بده، برای اینکه می‌خواهد همه از حضرت زهرا سرمشق بگیرند. لذا فرمود: بله من می‌گویم. لبید به دختر گفت: پیغمبر فرموده و دختر گفت اگر پیغمبر فرموده من حاضرم. حال چه کنیم؟ گفتند در این خانه یک اطاق زیاد داریم و به ایشان می‌دهید و این حجله شد. مهریه هم به ذمه است و همان مهرالسنة یعنی پانصد درهم باشد. جهیزیه هم یک جهیزیه به اندازه ضرورت درست می‌کنیم و آنگاه همان شب عروسی کردند. وقتی جبیر وارد اطاق شد، یک دختر زیبا به تمام معنا و اشرافی و بالا و فهمیده و با درایت است. نذر کرد و تصمیم گرفت سه شبانه‌روز عبادت کند. کم‌کم زمزمه بلند شد و قوم و خویش دختر خوشحال شدند و گفتند: این مرد نیست و به پیغمبر می‌گوییم و قضیه تمام می‌شود. پیغمبر اکرم (ص) او را خواستند و گفتند: آیا زن نمی‌خواهی؟ گفت چرا. گفت: امشب شب عروس خانم است و آن سه شبانه روز تمام شده و من می‌خواستم به نذر عمل کنم. آنگاه یک عروسی شد. این قضیه چه شیرین و عالی است.

من بعضی اوقات که این مسئله یاد می‌آید یک مسابقه با جوان‌ها می‌گذارم و به جوان‌ها می‌گویم سه گذشت در اینجا بوده است، کدامیک مهم‌تر است؟ یک گذشت از زیاد بن لبید که حاضر شد دخترش را به یک آدم فقیر به تمام معنا دهد و به یک آدم ناشناس بدهد. این پدر پا گذاشت روی اینکه در طایفه و محیطش زنده بود. یعنی محیط تشریفاتی. یک گذشت هم از دختر بود که خیلی گذشت کرد در حالی که معلوم است خواستگارهای خیلی بالا و مکنّت و شرافت و شخصیت داشت، اما به خاطر پیغمبر اکرم پا گذاشت روی همه چیز و حاضر شد به این شوهر کند که به حسب ظاهر هیچ نداشت، البته دین داشت. که از دنیا و آخرت هم ارزشش بیشتر است. یک گذشت هم از جبیر است که به راستی سه‌شبانه روز صبر کند و از خدا تشکر کند. اما به راستی سه شبانه‌روز یک عذاب به یک حلال رسیده باشد، اما صبر کند. در اینجا سه گذشت بوده، حال کدام مقدم بوده است؟! اما علی کل حال هر سه گذشت عالی بوده است. این‌ها را از ما نمی‌خواهند اما بدانید که هست و بدانید که پیغمبر اکرم تثبیت کرده و بدانید که روش اهل بیت و روش امیرالمؤمنین اینست و بدانید که ستّ زهرا این است. لاقّل این را بدانید و توجه داشته باشید و لاقّل اقرار به تقصیر کنید. پیش خدا بگوییم خدایا من که نمی‌توانم. البته این دروغ است و اسلام سهل است. لاقّل اقرار به گناه کنیم و اقرار به اینکه ما خیلی کوتاهییم.

این ساده‌زیستی زهراست. اسلام روی ساده‌زیستی خیلی پافشاری دارد. بر عکس روی تجمل‌گرایی خیلی گناه مترتب کرده است:

«وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ، فِي سَمُومٍ وَ حَمِيمٍ، وَ ظِلٍّ مِنْ يَحْمُومٍ، لَا بَارِدٍ وَ لَا كَرِيمٍ، إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ، وَ كَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ» [۱۱]

دست‌چپی‌ها خیلی در روز قیامت و در محشر شومند. بعد قرآن می‌فرماید زیر دود و زیر هرم جهنم هستند. قرآن می‌فرماید برای اینکه تجمل‌گرایی آن‌ها دود جهنم و هرم جهنم شده است. قرآن می‌فرماید: این تجمل‌گراییهاست که گناه روی گناه ایجاد می‌کند. ماهواره یعنی تجمل‌گرایی و موبایل برای بچه‌ها یعنی تجمل‌گرایی. این وضع خوراک و پوشاک و مسکن ما یعنی تجمل‌گرایی. ما تجمل‌گرا هستیم و خدا باید رحم کند و زهرا به گونه‌ای شفاعت ما را بکند و الا روی تجمل‌گرایی خیلی مذمت شده است و همین یک آیه بس است.

روی ساده‌زیستی خیلی سفارش شده است و همه از پیغمبر اکرم و حضرت زهرا و ائمه طاهرین می‌توانستند این زندگی را نداشته باشند و لاقّل یک زندگی متوسط داشته باشند، اما می‌گفتند ساده‌زیستی باشد. پیغمبر اکرم یا امیرالمؤمنین می‌فرمودند من حاضر نیستم کسی از نظر ساده‌زیستی پایین‌تر از من باشد. من باید به گونه‌ای زندگی کنم که همه از من بالاتر باشند و زندگی هم کرد. زهرا چنین بود و ساده‌زیست بود. حتی خدا فدک را به حضرت زهرا داد و من عقیده دارم فدک از حضرت خدیجه بود و یهودی‌ها در آن سه سال شعب ابی‌طالب جمع کرده بودند و این یهودی‌ها همیشه حقه باز و بدجنس بوده‌اند و فدک را جمع کرده بودند. پیغمبر اکرم خیبر را گرفت و فدک را گرفت. آیه شریفه آمد که فدک از حضرت زهراست و به حضرت زهرا دهید:

«وَ أَتِذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ» [۱۲]

این فدک خیلی استفاده داشت؛ اما به همه خانم‌ها بگویم که هیچکس ننوشته که زهرا از این فدک استفاده، ولو برای خرج و مخارج خودش کرده باشد. یعنی در این چند سالی که فدک را داشت، یک شاهی از این فدک برداشت نکرد. در حالی که از مادرش بود و بخشش از طرف خدا بود و در حالی که مال پیغمبر اکرم و از انفال بود، اما زهرا می‌گفت: من باید از نظر ساده‌زیستی از همه پایین‌تر باشم. همه می‌دانید که سوره «هل اتی» در کارهای ایشان نازل شده است که غذا یعنی افطاری

خود را به یتیم و مسکین و اسیر می‌دهد: «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حَيْثُ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أُسِيرًا» [۱۳] و با آب افطار می‌کند. در تاریخ که برویم پیغمبر نیز همینطور بود و امیرالمؤمنین همینطور بود. این‌ها را نمی‌خواهند؛ اما این را می‌خواهند که: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» [۱۴]؛ حال هرکسی به اندازه وسعش. امیدوارم حضرت زهرا(س) یک نظر لطفی به ما کند و ان شاءالله امسال سال خوش و خرم و پربرکتی داشته باشیم و سالی که بتوانیم شباهت به حضرت زهرا داشته باشیم.

.....

پی نوشتها؛

[۱]. الأحزاب، ۲۱: «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.»

[۲]. فاطر، ۵: «ای مردم، همانا وعده خدا حقّ است. زهار تا این زندگی دنیا شما را فریب ندهد، و زهار تا [شیطان] فریبنده شما را در باره خدا نفریبد.»

[۳]. البقرة، ۲۷۸: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید.»

[۴]. كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۳۵۹.

[۵]. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۲.

[۶]. قرب الاسناد، ص ۵۲.

[۷]. الأحزاب، ۲۱: «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد.»

[۸]. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

[۹]. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۷.

[۱۰]. الکافی، ج ۵، ص ۳۴۷.

[۱۱]. الواقعة، ۴۶ تا ۴۱: «و یاران چپ؛ کدامند یاران چپ؟ در [میان] باد گرم و آب داغ. و سایه‌ای از دود تار. نه خنک و نه خوش. اینان بودند که پیش از این ناز پروردگان بودند. و بر گناه بزرگ پافشاری می‌کردند.»

[۱۲]. الإسراء، ۲۶: «و حق خویشاوند را به او بده.»

[۱۳]. الإنسان، ۸: «و به [پاس] دوستی [خدا]، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند.»

[۱۴]. الأحزاب، ۲۱: «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.»